



تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۰۵

تاریخ بازنگری: ۹۸/۰۴/۰۹

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۳۱

تاریخ انتشار: ۹۹/۰۹/۳۱

استفاضه مبنای اماره تحقیق محلی

شادی حسنی^۱ منصور امیرزاده جیرکلی^{۲*} جواد محمد علیزاده^۳

چکیده

تحقیق محلی با این عنوان که هر شاهد اطلاع خود را به دادرس می‌گوید و از مجموع گفته‌ها چنین استنباط می‌شود که تبانی بر دروغگویی نکرده‌اند، تفسیر می‌گردد. اما اماره تحقیق محلی با این مضمون در فقه، با عنوان استفاضه (وگاهی نیز مترادف آن شیاع) به کار برده می‌شود. لذا این ضرورت پیش می‌آید که به بیان رابطه بین اماره تحقیق محلی و استفاضه و همچنین ادله حجیت این دو در حقوق و فقه پردازیم. حجیت اماره تحقیق محلی را با استفاده از اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۱۲۵۸ و ۱۳۲۴ قانون مدنی در حقوق می‌توان اثبات نمود. در فقه نیز برای حجیت استفاضه مواردی همچون روایات، سیره عقلا، عسر ناشی از اقامه بینه و... بیان گردیده است. در رابطه با اینکه بین تحقیق محلی و استفاضه چه تناسبی وجود دارد؛ نظرات مختلفی همچون: استفاضه به عنوان دلیل مستقل، استفاضه به عنوان موبد شهادت و استفاضه به عنوان نتیجه تحقیق محلی، بیان گردیده است؛ اما محقق بیان می‌دارد که استفاضه در واقع همان مبنای فقهی تحقیق محلی می‌باشد چرا که در تمامی موارد همچون معنا و مفهوم، محدوده، ادله اثبات و... مشابه یکدیگر می‌باشند و این نشان دهنده این است که تحقیق محلی دارای مبانی فقهی محکم و مستدل می‌باشد.

واژگان کلیدی: اماره، تحقیق محلی، استفاضه، شیاع.

۱- دانشجوی دکتری تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت حیدریه، پست الکترونیکی: shadihassani864@gmail.com

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت حیدریه (نویسنده مسئول). پست الکترونیکی: amirzadehj@yahoo.com

۳- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نوشهر. پست الکترونیکی: jm_alizadeh1350@yahoo.com

۱- مقدمه

خالق یکتا علاوه بر نظم در آفرینش به وضع قوانین، جهت ایجاد عدالت بین مردم نیز اهمیت داده است، چراکه در زمان نزاع؛ دستور فرموده است تا به پیامبر(ص) و جانشینان وی رجوع شود. همچنین مواردی از جمله سند، شهادت، اقرار و... را به عنوان ادله‌ای بیان نموده است تا مردم هنگام نزاع بتوانند با این ادله ادعای خود را اثبات نمایند. یکی دیگر از مواردی که می‌توان با آن ادعای خود را اثبات نمود اماره می‌باشد که در واقع سبب ایجاد علم برای قاضی می‌گردد. این اماره به دو دسته قانونی و قضایی تقسیم می‌گردد. قانونگذار مصادیق اماره قانونی را مشخص نموده است، اما مصادیق اماره قضایی بسیار زیاد است. یکی از این امارات قضایی اماره تحقیق محلی می‌باشد. آنچه بیان گردید در رابطه با قانون مدون جمهوری اسلامی ایران است؛ اما در فقه نیز همین مبنا با عنوان استفاضه یا شیع وجود دارد. لذا این ضرورت حاصل می‌گردد تا به بیان ارتباط این دو (اماره تحقیق محلی و استفاضه) بپردازیم.

قبل از اینکه به مبحث اصلی بپردازیم، ابتدا باید بیان نمائیم که تحقیق به یکی از این سه مرحله باز می‌گردد:

۱- گواه به طور مستقیم واقعه‌ای را دیده یا سخنی را شنیده یا به گونه‌ای دیگر از راهی محسوس درک کرده است و آنچه را دریافته و بدان علم پیدا کرده است بیان می‌کند، این مورد مصداق بارز شهادت است.

۲- گواه به طور مستقیم واقعه‌ای را درک نکرده است، ولی گفته کسی را نقل می‌کند که ناظر به آن بوده است؛ به همین مناسبت، چنین شهادتی را غیر مستقیم یا درجه دوم یا منقول نامیده‌اند و شرط پذیرش آن این است که شاهد اصلی به دلیل وجود مانعی نتواند حاضر شود (ماده ۱۳۲۰ ق.م).

۳- گواه از وقوع حادثه یا واقع مورد اختلاف خبر نمی‌دهد و تنها اعتقاد و باور عمومی و شایع را درباره آن واقعه بیان و تأیید می‌کند و منبع اصلی اطلاع خود را به درستی نمی‌داند؛ مانند این که می‌گوید: سالیان دراز هست که همه فلان مدرسه را وقف یا ملک شخص معین می‌دانند. بدیهی است که چنین شهادتی دلالت منطقی و مستقیم بر واقع ندارد؛ به صورت شهادت است، ولی امری را تأیید می‌کند که احتمال دارد همراه با واقع باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۲).

در موردی که هر شاهد اطلاع خود را به دادرسی می‌گوید و از مجموع گفته‌ها چنین استنباط می‌شود که تبانی بر دروغگویی نکرده‌اند، این اماره قضایی شکل می‌گیرد که تحقیق محلی نام دارد. بنابراین در این مقاله مورد سوم از سه نوع گواه که تحقیق محلی نام دارد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- تحقیق محلی و ادله حجیت آن

یکی از ادله اثبات دعوا امارات می‌باشد. طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی «قاضی موظف است کوشش کند، حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.» یکی از مواردی که در نبود دلیل می‌تواند به قاضی مدد رساند، امارات می‌باشد.

اماره دلیلی است که مبنای حجیتش بر این اساس است که از واقع حکایت می‌کند و چون از واقع حکایت می‌کند مورد تایید شرع و شارع قرار گرفته‌اند. در فقه و حقوق، اماره دلیلی است که از آن ظن حاصل می‌شود و می‌توان به وسیله این ظن چیزی را ثابت کرد.

اماره در فقه انواع گوناگونی دارد که عبارتند از: اماره حکمی (اماراتی هستند که در هنگام جهل به حکم یا قانون ارائه طریق می‌کنند)، اماره موضوعی (اماراتی هستند که در هنگام جهل به موضوع ارائه طریق می‌کنند. در حالی که حکم آن معلوم است)، اماره تاسیسی یا شرعی (اماراتی هستند که شارع آنها را جعل و تاسیس نموده است)، امارات عقلی (اماراتی هستند که حجیت خود را از طریق عقل بدست می‌آورند).

طبق ماده ۱۲۵۸ ق.م، اماره در کنار اسناد کتبی، اقرار، شهادت و قسم، به عنوان دلیلی برای اثبات دعوی محسوب شده است. در حقوق دو نوع اماره قضایی و اماره قانونی وجود دارد. در تقابل میان آنها، اماره قضایی مقدم است و ترجیح دارد.

ماده ۱۳۲۴ ق.م مقرر می‌دارد: «اماراتی که به نظر قاضی واگذار شده عبارت است از اوضاع و احوالی در خصوص مورد و در صورتی قابل استناد است که دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را تکمیل کند.»

تعداد امارات قضایی محدود نیست و هر دعوا یک یا چند اماره قضایی مخصوص خود دارد. گاهی اوقات امارات قضایی آن قدر جزئی و کوچک هستند که فقط در دید بازرسان و قضات هوشیار خودنمایی می‌کند. از مهمترین امارات قضایی عبارتند از: کارشناسی، تحقیق محلی، معاینه محلی، انگشت نگاری، شهادت اطفال، ضبط فیلم و صدا، استفاده از اسناد الکترونیکی، اظهارات و عکس العمل‌های طرفین.

قانون آیین دادرسی مدنی، معاینه و تحقیق محلی را در یک مبحث مطرح کرده است (مواد ۲۴۸ به بعد). در ماده ۲۵۵ نیز اطلاعات حاصل از تحقیق و معاینه محلی از امارات قضایی به شمار آمده است. پس، ممکن است چنین نتیجه گرفته شود که تحقیق محلی از سنخ اماره‌ها است و با شهادت که در گروه دلیل‌ها می‌آید تفاوت ماهوی دارد. ولی، با اندکی تأمل بطلان این استنتاج آشکار می‌شود. تفاوت تحقیق محلی و شنیدن شهادت شاهد در این است که، شهادت نتیجه کار حواس شاهد است که مستقیماً امری را دیده و یا شنیده است. در حالی که تحقیق محلی متکی به اطلاع غیر مستقیم افراد است که به علت نزدیک بودن با محل موضوع اختلاف، به نحوی مطالبی را دریافت نموده‌اند.

بنابراین در تحقیق محلی، اشخاصی که از آن‌ها تحقیق می‌شوند، علاوه بر دیده‌ها و شنیده‌های مستقیم و غیر مستقیم، برداشت‌های خود را نیز بیان می‌کنند (شمس، ۱۳۸۵، ۳۵۷).

در نتیجه، باید میان ماهیت اخبار شاهدان و حاصلی که از آن ایجاد می‌شود، تفاوت نهاد: ماهیت اخبار و تحقیق در مورد شاهد معرفی شده به دادگاه و مطلع محلی یکی است، ولی حاصل آن در شهادت نخست دست یافتن به دلیل و در مطلع محلی رسیدن به اماره غلبه است. دکتر کاتوزیان در کتاب خود تحقیق محلی را اینگونه تعریف می‌نماید: « تحقیق از مطلعان محلی (به طور کلی) است و موضوع آن ممکن است مورد نزاع و با ذکر اسباب و مأخذ آگاهی باشد یا اعتقاد عمومی و شیع و شهرت درباره آن، و در هر حال، حاصل این تحقیق در زمره امارات قضایی است». در توضیح قید (به بطور کلی) بیان می‌دارند که مقصود از این قید این است که ضرورتی ندارد اسامی و مشخصات آن به دادگاه ابلاغ شود. قید پایانی تعریف بدین منظور است که، اگر در تحقیق محلی شهود معرفی شوند و آنان نیز دیده‌ها و شنیده‌های خود را بیان کنند، چون با عنوان تحقیق محلی اداء شهادت کرده‌اند، حاصل تحقیق از امارات قضایی است نه دلیل (اطلاق ماده ۲۵۵ ق.آ.د.م) (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۲ / ۱۰۱).

مثال‌های زیادی برای این گونه امارات در منابع حقوقی بیان شده است. مثلاً گفته شده است « کسی که نسبت به مالکیت قطعه زمینی که میان ملک او و ملک همسایه واقع است، با وی اختلاف دارد. خواهان مدعی است که قطعه زمین مذکور داخل در محدوده ملک او بوده و طرف مقابل نیز منکر این ادعا است. دادگاه برای احراز صحت قضیه، قرار معاینه محلی صادر خواهد کرد. پس از آن به محل مراجعه می‌شود و با ملاحظه پرونده‌های ثبتی دو ملک مجاور، تشخیص داده می‌شود که قطعه زمین مورد اختلاف، داخل در محدوده کدام یک از دو ملک است. دادگاه پس از ترسیم نقشه محل و پیوست آن به پرونده مبادرت به صدور حکم می‌کند. (صدرزاده افشار، ۱۳۷۶، ۲۴۱). همچنین؛ « هرگاه در دعوی الزام به تنظیم سند رسمی اجاره، دادگاه قرار تحقیق محلی صادر نماید و اطلاعات اهل محل که اماره قضایی شمرده می‌شود دلالت بر وجود رابطه‌ای استیجاری نماید، خواننده دعوی مزبور اگرچه بار دلیل را در اصل به دوش ندارد اما باید خلاف اماره مزبور را اثبات کند، در غیر اینصورت رابطه استیجاری احراز می‌شود» (دیانی، ۱۳۸۷، ۱۲۵).

با توجه به قوانین ذکر شده امارات سبب علم برای قاضی می‌گردند، لذا حجیت اماره تحقیق محلی به مقدار ظنی که برای قاضی حاصل می‌گردد بستگی دارد، چرا که اگر در پرونده‌ای دلیلی محکم ارائه گردد که با اماره تحقیق محلی در تعارض باشد، آن دلیل بر اماره مقدم می‌گردد. اما اگر دلیلی که در تعارض با اماره تحقیق محلی وجود نداشته باشد، اماره سبب علم برای قاضی می‌گردد و در تعیین حکم تاثیر گذار خواهد بود.

۳- استفاضه

در فقه، تحقیق محلی با عنوان استفاضه به کار گرفته می‌شود به این معنا که به خبری که در بین مردم، رایج و مشهور باشد، استفاضه گویند.

استفاضه، مترادف «شیاع»، «سماع» و «تسامع»، و از ریشه فیض است که در معانی متعدد به کار رفته و قدر جامع بین همه آن‌ها، «فراوانی و کثرت» است (رشتی، ۱۴۰۱، ۹۳/۱-۹۴).

همچنین در تعریف شیاع بیان شده که منظور، شایع شدن خبر به اندازه‌ای است که مفید ظن قوی و قریب به علم باشد (ترحینی عاملی، ۱۴۲۷، ۱۷۲/۴).

بنابراین استفاضه را اینگونه می‌توان تعریف نمود که: استفاضه یا شیاع، امری است که بر اساس آن، نفس دارای سکون و آرامش می‌شود و به مضمون امری اطمینان می‌کند. شاید منظور از «علم» که در موضوعات یا احکام شرع آمده است همین معنی باشد که در استفاضه هم موجود است (نجفی، ۱۴۰۰، ۵۵/۴۰).

در نتیجه استفاضه در فقه و تحقیق محلی در حقوق به یک مضمون و مفهوم می‌باشند، که در هر دو قاضی به یک ظن مفید دست می‌یابد.

نکته‌ای که باید بدان توجه نمود آن است که شیاع در روایات و در کلمات فقها با آنچه که امروزه به نام شایعه معروف است تفاوت دارد زیرا مقصود از شیاع، معروف شدن امری نسبت به فردی در میان اهالی یک منطقه یا سرزمین است البته مردمی که از بهتان به دور باشند، اما شایعه امریست که ساخته ذهن دشمنان است.

۱-۳- دلایل حجیت استفاضه

از جمله ادله‌ای که می‌توان برای حجیت بخشیدن به استفاضه بیان نمود عبارتند از:

۱-۳-۱- سیره عقلا؛ برخی گفته‌اند با استفاضه هر آنچه که اقامه بینة بر آن دشوار است، اثبات می‌شود مانند نسب، مرگ، ملک مطلق، وقف و نکاح (نجفی، ۱۴۰۰، ۵۵/۴۰). استناد به سیره عقلا به عنوان دلیل اعتبار استفاضه در سخن جمعی از فقها تایید شده است (گلپایگانی، ۱۴۰۱، ۹۶).

۲-۱-۳- روایت (یونس بن عبد الرحمن از پاره‌ای از اساتیدش بازگو کرده که از امام صادق (ع) سوال کردم اگر حَقَّانیت مطلبی با بینة و شهود ثابت شد، آیا قاضی حق دارد که بقول شهود ترتیب اثر دهد و حکم را صادر نماید؟ فرمود: پنج چیز است که باید بظاهر آن عمل کنند: ۱- الولایات (یعنی حق ولایت که خدا یا امام برای هر کس و یا ولی طفل قرار داده)، ۲- و المناکح (یعنی مسأله زناشویی که بین مسلمانان مشهور است)، ۳- ذبایح (یعنی حلال بودن کشتار مسلمان)، ۴- شهادت (شهادت دادن بعضی از مسلمانان بر بعض دیگر)، ۵- انساب (یعنی نسبت فرزندان به پدر و صاحب فراش مثلا در ارث)، پس هرگاه ظاهر کسی پاک و مورد اطمینان بود شهادتش در حق دیگری جایز است و لازم نیست از ضمیر و باطنش جستجو نمایم (قمی، ۱۶/۳).

این روایت در برخی کتب با اندکی تفاوت می‌باشد. برای مثال در تهذیب عبارت (ظاهر حال) به کاررفته (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۸۸)، یا در من لا یحضره الفقیه عبارت (الانساب) به جای (الموارث) آمده است. اما گفته شده که (ظاهر حال) و (ظاهر حکم) تفاوتی ندارند، زیرا منظور از (ظاهر حکم) آن چیزی است که حکم آن بین مردم

ظاهر است یعنی مردم بین محمول و موضوع آن، نسبتی را تصور می‌کنند و معنی شیاع و استفاضه نیز همین است (نجفی، ۱۴۰۰، ۴۰/۵۶).

۳-۱-۳- برخی نیز در موارد حصول علم از استفاضه، اعتبار آن را به خاطر علم و ادله حجیت علم دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵، ۷۳). اما باید بیان نمود که علم خود بنفسه حجّت است و استفاضه‌ای که مفید ظنّ می‌باشد نمی‌تواند حجّت باشد زیرا « انّ الظنّ لا یغنی من الحق شیئاً » (یونس ۳۶/۱۰). بنابراین استفاضه از آن جهت که موجب علم عادی یا اطمینانی که با آن به ظنّ می‌توان دست یافت حجّت است.

۳-۱-۴- سیره قطعیه که بین مسلمین وجود دارد به این معنا که این سیره کاشف از تأیید معصوم می‌باشد (رشتی، ۱۴۰۱، ۹۶).

۳-۱-۵- عسر ناشی از اقامه بینه، چرا که مردم مجبور می‌شوند برای رفع نیاز شان به قضّات و افرادی که ولایت دارند رجوع کنند و اقامه بینه‌ای که حائز تمام شرایط باشد بسیار دشوار و باعث عسر می‌شود (رشتی، ۱۴۰۱، ۹۷).

۳-۱-۵- اولویت، چرا که ظنّ حاصل از شیاع قوی تر از ظنّ حاصل از بعضی افراد بینه است (استدلال این مورد در مسالک بیان شده است)، حال آنکه اولویت دو گونه است، قطعیّه و ظنیّه. و برتری اولویت قطعیّه واضح می‌باشد؛ بنابراین نمی‌توان به این دلیل تمسک کرد (رشتی، ۱۴۰۱، ۱۰۱).

باید این نکته را در نظر داشت که سیره عقلا و عسر ناشی از اقامه بینه به یک معناست و تنها عناوین متفاوت‌اند. در هر حال می‌توان به وسیله هر یک از این ادله حجّیت استفاضه را ثابت نمود.

همچنین باید ذکر نمود که استفاضه زمانی حجّت می‌باشد که دارای شروط زیر باشد:

- حجّیت استفاضه در صورت حصول ظنّ نزدیک به علم.

- قید ایمن بودن از تبانی بر کذب در حجّیت استفاضه.

- شرط نبودن مشاهده در شهادت به استفاضه.

همانطور که بیان گردید استفاضه نیز مانند اماره تحقیق محلی سبب علم برای قاضی می‌گردد که در فقه به آن ظنّ نزدیک به علم می‌گویند.

۲-۳- محدوده استناد به استفاضه

رویکرد فقهی به استفاضه و قدرت اثباتی آن، متفاوت است. در مصادیق قابل اثبات نیز نظریات متفاوت می‌باشد.

- در مورد اثبات نکاح و وقف، از طریق شیاع اختلاف نظر است (طوسی، ۱۳۸۷، ۱۸۳/۸).

- برخی به صراحت آن را قابل اثبات می‌دانند (حلی، ۱۴۲۰، ۱۸۱/۲).

- برخی می‌گویند علم شاهد در نسب، ملک مطلق: (آن ملکی است که شاهد فقط می‌داند و یقین دارد که متعلق به شخص خاصی است)، وقف، مرگ و نکاح از طریق سماع هم قابل تحصیل است به شرط اینکه اخبار مردم به نحوی متوالی باشد که ظن غالب به دست آید یا امکان توطئه و تبانی آن‌ها بر امر دروغین، ممکن نباشد، یا شهرت احکام آن‌ها، متأخم به علم باشد. (حلی، ۱۴۱۳، ۵۰۱/۳).

- شهید اول نیز اعتبار استفاضه (سماع، تسامع) را در نسب، ملک مطلق و... می‌پذیرد و منظور از آن را اعلام جماعتی می‌داند که متأخم به علم باشد اما سبب ملکیت را، جز در مورد ارث، با استفاضه ثابت شده نمی‌داند (عاملی، ۱۴۱۷، ۱۳۴/۲).

- برخی دیگر مرگ، نسب، نکاح و ملک مطلقاً قابل اثبات می‌دانند (طوسی، ۱۴۱۴، ۴۲۰).

- برخی عدالت، نسب، نکاح، ملک مطلق، وقف و مرگ را قابل اثبات می‌دانند، ایشان اثبات امور مذکور را به فتوای فقها نسبت می‌دهند (صمیری، ۱۴۲۰، ۲۸۹/۴).

- در مورد قدرت اثباتی استفاضه گفته‌اند که نسب، مرگ و ملک مطلق، اگر به حد علم برسد، با استفاضه قابل اثبات است (طوسی، ۱۳۸۷، ۸۶/۸).

بر اساس استفاضه می‌توان شهادت هم داد زیرا علم شاهد از سه طریق حاصل می‌شود: ۱- مشاهده، ۲- شیع و استفاضه، ۳- ترکیب هر دو.

شاهد می‌تواند بر اساس استفاضه شهادت در مورد مرگ، نسب و ملک مطلق بدهد اما (سبب) ملکیت با استفاضه معلوم نمی‌شود. در عین حال سبب ملکیت بر اساس استفاضه‌یی که در مورد مرگ حاصل آمده است، قابل اثبات است زیرا آن سبب، ارث می‌باشد و ارث پس از مرگ حاصل می‌آید (طوسی، ۱۳۸۷، ۱۸۰/۸ - ۱۸۲).

- صاحب شرایع می‌گوید این نظر که بین سبب ارث و سایر اسباب ملکیت مانند هبه و بیع فرق گذاشته‌اند و استفاضه را اثبات سبب ملکیت، جز در مورد ارث نمی‌پذیرند، دارای تکلف است زیرا اگر ملکیت با استفاضه ثابت شود اضافه کردن سبب به آن، به اعتبار استفاضه و قدرت اثباتی آن اشکالی وارد نمی‌آورد و اقتضای پذیرش شهادت در مورد سبب نیز وجود دارد (حلی، ۱۴۰۸، ۱۲۲/۴ - ۱۲۳).

- در پاسخ به ایشان گفته‌اند که مشهور فقها، بین سبب ارث و سایر اسباب ملکیت تفاوت قائلند و این امر ثمراتی هم دارد، به این صورت که اگر دو استفاضه باشد، آن که به ذکر سبب هم اشاره کرده است مقدم خواهد بود (صمیری، ۱۴۲۰، ۲۹۰/۴).

شاهد ممکن است به دلیل تواتر یا شیع مسأله بین مردم، شهادت به امری دهد مثل نسب، نکاح، مرگ و مالکیت مال، بنابراین لازم نیست که شاهد امری را حتماً دیده باشد. شهادت بر جرح شاهد باید بر اساس علم باشد اما در

شهادت بر عدالت، شاهد ظنّ و استفاضه کافی است و از میان معیار های (مطلق ظنّ) یا (ظنّ اطمینانی) یا آنچه که از (حسن ظاهر) به دست می‌آید، نظر اخیر مناسب‌تر می‌باشد (موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۱).

- گفته‌اند شاهد می‌تواند بر اساس استفاضه هم شهادت دهد یا مستند حرف خود را قید کند (موسوی خمینی، ۱۴۲۵).

- صاحب جواهر می‌گوید: بر اساس روایات، برای معتبر بودن شیعاع، تحقق علم یا متأخم به علم یا ظنّ غالب، مدخلیتی ندارد و مهم تحقق شیعاع می‌باشد. عموم روایات مذکور دلالت بر اعتبار شیعاع نسبت به اموری غیر از آنچه ذکر کرده‌اند نیز (وقف و نکاح و....) دارد و بنابراین (فسق) شخص نیز با آن ثابت می‌شود و علت ذکر برخی امور آن است که تحقق شیعاع در آنها، بیشتر و غالب است اما در هر حال، فقها در این خصوص متزلزل است و دلیل خاصی بر حجیت آن نیز نداریم بلکه آنچه مهم و لازم است، تحقق علم می‌باشد و بنابراین اگر چنین امری حاصل شد، می‌توان آن را نسبت به سایر امور، غیر از آنچه ذکر کرده‌اند تسری داد (نجفی، ۱۴۰۰).

در کتاب خلاف در مورد علت اثبات وقف از طریق استفاضه گفته شده که چون وقف، دائمی است، شهود باقی نمی‌مانند لذا باید به استفاضه عمل کرد (طوسی، ۱۴۰۷).^۱

برخی برای استفاضه‌یی که مبتنی بر غیر علم باشد، دلیلی پیدا نکرده‌اند که سبب اطمینان گردد و در عین حال نسب، وقف و نکاح را با استفاضه قابل اثبات می‌دانند زیرا معمولاً بینه‌یی بر آن‌ها اقامه نمی‌شود (انصاری، ۱۴۱۵).

با توجه به بیان نظرات مختلف آنچه بین تمام این نظرات مشترک می‌باشد عبارتند از: نکاح، مرگ، وقف، ملک مطلق، نسب و عدالت.

در مقابل، گروهی دیگر معتقدند که آن چه در شهادت اهمیت دارد علم است؛ خواه این علم از راه حواس بدست آید، خواه از راه‌های متعارف دیگر. استفاضه نیز یکی از راه‌های حصول علم است و تفاوتی بین اسباب حصول علم نیست و شهادت به استناد استفاضه منحصر به امور خاصی مانند نکاح، ولایت و مواردی از این قبیل نیست (انصاری، ۱۴۰۵).

شیخ نیا با یکی دانستن ماهیت استفاضه با تحقیق محلی بیان می‌دارد که در موارد قابل اثبات با استفاضه، محدودیتی به چشم نمی‌خورد و شهادت به استناد استفاضه، محدود به امور خاصی نیست (شیخ نیا، ۱۳۷۵).

آقای بهارلو به این استدلال اینگونه پاسخ می‌دهد که: در عمل، موضوعات و دعاوی قابل اثبات از طریق اخبار مبتنی بر استفاضه، زیاد نیستند. چرا که تحقق استفاضه، به معنای شهرت و باور عمومی نسبت به وقوع رویدادی، در پاره‌ای از روابط حقوقی اشخاص متفی است و طبعاً در این موارد نمی‌توان به این دلیل متمسک شد. مثلاً در بسیاری از اختلافات و دعاوی مربوط به عقود معین که موضوعات، در منظر عموم واقع نمی‌شود، طبعاً اطلاع اهل محل و

۲- «أما الوقف فمبنى على التأييد، فان لم تجز الشهادة بالاستفاضه أدى إلى بطلان الوقوف، لان شهود الوقف لا يقون أبدا.»

شهرت در مورد آن محقق نمی شود و نوبت به ادای گواهی بر اساس استفاضه نمی رسد. اما باید توجه داشت که این محدودیت، صرفاً از باب عدم تحقق استفاضه در برخی امور حقوقی است و به هیچ وجه دلالتی بر محدودیت اصل ارزش و قوه اثباتی اظهار مستند به استفاضه در فرض تحقق آن ندارد (ابوعطا، ۱۳۹۶).

محقق در نهایت به این نتیجه دست می یابد که محدوده استفاضه در فقه و تحقیق محلی در حقوق طبق نظرات مختلف به دو دسته محدود و غیر محدود تقسیم می گردد که بر طبق آن نمی توان به یک نتیجه گیری کلی دست یافت مگر اینکه قدر جامعی را در نظر گرفت که عبارتند از: نکاح، مرگ، وقف، ملک مطلق، نسب و عدالت.

از جمله مصداق های کاربردی استفاضه در فقه می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- اثبات جراحت به واسطه شیاع و استفاضه.
- ۲- اثبات لوث با استفاضه.
- ۳- اثبات سن بلوغ با استفاضه.
- ۴- اثبات اجتهاد به واسطه استفاضه.
- ۵- اثبات هاشمی بودن.
- ۶- اثبات وکالت با استفاضه.
- ۷- اثبات عدالت مجتهد با استفاضه.
- ۸-

۴- ارتباط اماره تحقیق محلی با استفاضه

پس از بیان حجیت اماره تحقیق محلی در حقوق و استفاضه در فقه لازم است تا رابطه استفاضه در اثبات دعاوی با اماره تحقیق محلی را از دیدگاه های گوناگون را مورد بررسی قرار دهیم.

۴-۱- استفاضه به عنوان دلیل مستقل

با توجه به اینکه ممکن است استفاضه به طرقی غیر از تحقیق محلی، بر دادگاه محرز شود. به طور مثال اگر تعداد زیادی در دادگاه حاضر شوند و خبری را در خصوص موضوع دعوا اعلام نمایند، اما شرایط گواه و گواهی، جمع نباشد، در صورتی که تعداد خبر دهندگان و یکسان بودن خبر آن ها نشان دهنده رواج خبر بین مردم باشد، استفاضه بر دادگاه محرز است. در خصوص چنین استفاضه ای، حکم خاصی در قوانین یافت نمی شود و با توجه به اینکه در چنین مواردی تحقیق محلی انجام نشده، شمول مقررات تحقیق محلی بر این استفاضه منتفی است.

با توجه به بیان احکام استفاضه در منابع فقهی، به نظر می رسد در خصوص چنین استفاضه ای با استناد به روح اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی می توان به فقه مراجعه کرد و با رجوع به منابع و فتاوا در این زمینه، به چنین استفاضه ای ترتیب اثر داد.

ممکن است گفته شود اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، در خصوص امور ماهوی و تعیین حکم دعوا است و شامل امور شکلی و مباحث مربوط به ادله نمی‌شود. با وجود این باید گفت اگر چه عبارت اصل ۱۶۷ و ماده یاد شده به نحوی است که بیشتر به امور ماهوی و تعیین احکام دعاوی نظر دارد، اما در مسائل دادرسی و ادله اثبات نمی‌توان از آن چشم پوشید و راه حل اصل و ماده یاد شده را در امور شکلی و ادله غیر قابل اجرا دانست زیرا فلسفه و مبنای مقررات مذکور، اختصاص به امور ماهوی ندارد و آیین دادرسی و ادله را نیز در بر می‌گیرد و اصول دیگر قانونی اساسی، بخصوص اصل چهارم (اصل چهارم قانون اساسی: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است) این مطلب را تأیید می‌کند.

با وجود احکام مشخص در مورد استفاضه در فقه و امکان مراجعه و بکارگیری آن‌ها با استناد به روح اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی نوبت به استناد به مقررات مربوط به اماره قضایی در مورد استفاضه مورد بحث نمی‌رسد چون اماره قضایی که در قانون مقرر شده، مربوط به غیر از دلایل شناخته شده قانونی و شرعی است و تفسیر گسترده آن شامل هر آنچه می‌شود که از نظر قاضی، دلیل بر امری باشد به جز آنچه در شرع یا قانون به صورت مستقل و مشخص به عنوان دلیل اثبات کننده دعوا معرفی شده است (حسن زاده، ۱۳۹۳، ۴۱ و خدابخشی، ۱۳۹۳، ۱۲).

۲-۴- استفاضه به عنوان مویّد شهادت

در ماده ۱۳۱۵ قانون مدنی مقرر شده، شاهد باید از روی قطع و یقین شهادت دهد. چنانچه از روی ظنّ و تردید گواهی دهد شهادت او اعتباری ندارد (امامی، ۱۳۸۹). اما در خصوص منشأ قطع و یقین شاهد و لزوم حسی بودن آن، حکمی در قوانین وضع نشده است. بنابراین در این زمینه می‌توان به نظرات فقهی رجوع کرد و منابع و فتاوی معتبر را مورد استناد قرار داد. از این رو، در صورتی که شاهد به استناد استفاضه شهادت دهد، با توجه به اینکه منعی در قوانین نسبت به چنین شهادتی وضع نشده، می‌توان به استناد منابع و فتاوی فقهی چنین شهادتی را معتبر شناخت.

در این حالت، استفاضه نه به عنوان یک دلیل مستقل، بلکه به عنوان یکی از شرایط دلیل دعوا که شهادت است، مورد توجه است و اعتبار آن به منظور احراز شرایط شهادت، مورد ارزیابی دادگاه قرار می‌گیرد. در چنین مواردی، ممکن است، شهود به استفاضه شهادت دهند و نه به موضوع دعوا. این مطلب ممکن است به خاطر احراز نشدن شرایط استفاضه نزد شهود و عدم حصول علم و اطمینان از آن برای شهود باشد. در چنین وضعی، با وجود شرایط شاهد و شهادت، اصل موضوع دعوا بر دادگاه ثابت نمی‌شود، بلکه آنچه ثابت می‌شود استفاضه است که به عنوان دلیل مستقل اما با واسطه در اثبات دعوا مورد توجه و ارزیابی دادگاه قرار می‌گیرد (حسن زاده، ۱۳۹۳).

۳-۴- استفاضه به عنوان نتیجه تحقیق محلی

ممکن است نتیجه انجام تحقیق محلی، دستیابی به استفاضه باشد، به این ترتیب که در اجرای تحقیق محلی، تعداد زیادی از اهل محل حاضر شوند و در خصوص موضوع مورد تحقیق به صورت هماهنگ و یکسان خبر دهند، به گونه‌ای که نشان دهنده شیوع آن خبر بین مردم باشد. در چنین مواردی، این سوال مطرح می‌شود که آیا اعتبار این دلیل را باید بر اساس مقررات مربوط به تحقیق محلی، به ویژه ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی تعیین کرد یا براساس آنچه در فقه در خصوص اعتبار استفاضه بیان شده؟

با توجه به اینکه ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی اطلاعات حاصل از تحقیق محلی را اماره قضایی اعلام کرده که ممکن است موجب علم یا اطمینان قاضی شده یا موثر در آن باشد و از این بیان فهمیده می‌شود که نتایج تحقیق محلی در صورت حصول علم و اطمینان، معتبر است و می‌تواند به تنهایی مستند صدور رای قرار گیرد، به نظر می‌رسد مقررات قانونی در خصوص اعتبار نتیجه تحقیق محلی با دیدگاه غالب در فقه در خصوص اعتبار استفاضه هماهنگ است و از این رو، اعتقاد به شمول مقررات تحقیق محلی بر استفاضه مورد بحث با اشکالی مواجه نیست و می‌تواند معتقد به تاثیر چنین استفاضه‌ای تحت عنوان تحقیق محلی و با رعایت مقررات تحقیق محلی شد (حسن زاده، ۱۳۹۳، ۴۰).

حال آنکه نظر برخی دیگر این است که استفاضه در فقه معادل تحقیق محلی در حقوق موضوعه است. به نظر می‌رسد، در صورتی که مقام تحقیق محلی، مطلعین، نه بر اساس محسوسات و استنباطات شخصی خود از موضوعی، بلکه بر اساس شهرت و باور عمومی در خصوص آن، به اظهار و گواهی بپردازند، تحقیق محلی و استفاضه بر یکدیگر منطبق می‌شوند (ابوعطا، ۱۳۹۶).

در نهایت و با توجه به مطالب ذکر شده باید بیان نمود که تحقیق محلی تنها یک اماره قضایی است و توان مقابله با بی‌بینه را ندارد بلکه تنها اثری که می‌تواند داشته باشد این است که علم و یا اطمینان برای قاضی ایجاد نماید (اطلاعات حاصل از تحقیق و معاینه محلی از امارات قضایی محسوب می‌گردد که ممکن است موجب علم یا اطمینان قاضی دادگاه یا موثر در آن باشد. ماده ۲۵۵ ق.آ.د.م). بنابراین در مورد تحقیق محلی و اینکه می‌تواند موثر در حکم نهایی باشد یا نه تنها به نظر قاضی بستگی دارد.

۵- تطبیق استفاضه و تحقیق محلی

باید در نظر داشت که تمامی موارد ذکر شده تنها استدلال شخصی افراد می‌باشد. اما طبق مطالب ارائه شده می‌توان به این نتیجه دست یافت که استفاضه در فقه و تحقیق محلی در حقوق کاملاً به یک مفهوم می‌باشند و دارای شرایط و ضوابط یکسانی هستند و تنها عنوان آن‌ها با یکدیگر متفاوت است و به این بیان می‌باشد که تحقیق محلی دارای مبنای فقهی محکم و مستدل است و برگرفته از حقوق کشورهای دیگر نمی‌باشد.

برای توضیح بیشتر محقق بیان می‌دارد که: علم و اطمینان قاضی یکی از مواردی است که می‌تواند به صدور حکم یاری رساند.^۱ از جمله مواردی که قاضی به وسیله آن می‌تواند به علم و اطمینان دست یابد عبارتند از: ۱- این که خود قاضی شاهد و ناظر امر خلافی باشد. ۲- این که پس از کارشناسی و استعمال نظر اهل خبره و جمع امارات، به دست آمده باشد به گونه‌ای که اگر قاضی دیگری آن مدارک را مطالعه کند به همان نتیجه دست یابد.^۲ یکی از این موارد که به قاضی مدد می‌رساند تحقیق محلی است. همانطور که در قانون ذکر گردیده است.^۳

بنابراین طبق قانون مصوب ایران، اماره تحقیق محلی بنا به نظر قاضی حجت می‌باشد. اما محدوده آن شامل همه موارد نمی‌شود چرا که تحقیق محلی با این توضیح که: گواه تنها اعتقاد و باور عمومی و شایع را درباره آن واقعه بیان و تأیید می‌کند. لذا نمی‌توان در تمامی موارد به آن استناد نمود و تنها در مواردی می‌توان، که مورد ادعا قابل رویت برای عموم باشد؛ همچون اموال وقفی، مرگ، نکاح و... همچنین تحقیق محلی زمانی مورد قبول واقع می‌شود که تمامی افرادی که از آن‌ها تحقیق به عمل می‌آید، به یک صورت شهادت دهند.

حال تمامی این موارد ذکر شده (حجیت، محدوده و شرایط) در فقه نیز وجود دارد. همانطور که بیان شد در فقه به تحقیق محلی، استفاضه (و یا مترادف آن شیع) گفته می‌شود و تعریفی که برای آن ذکر گردیده عبارتند از: شایع شدن خبر به اندازه‌ای که مفید ظن قوی و قریب به علم باشد. دلایل حجیت استفاضه نیز شامل روایت، سیره عقلا، سیره قطعیه، عسر ناشی از اقامه بینه و... می‌باشد. محدوده آن نیز با توجه به اختلاف نظرها می‌توان نکاح، مرگ، وقف، ملک مطلق، نسب و عدالت دانست. بنابراین و با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان به این نتیجه دست یافت که تحقیق محلی همان استفاضه می‌باشد و تنها در عنوان با یکدیگر متفاوت هستند.

با توجه به مطالب ذکر شده باید دید که آیا به همان اندازه که ما توانستیم حجیت این اماره را به اثبات برسانیم؛ آیا در واقع و در دادرسی‌ها، اماره تحقیق محلی دارای تاثیر بسزایی در صدور حکم می‌باشد یا خیر؟ لذا لازم است تا به بیان نمونه‌ای از رأی دادگاه اشاره نماییم.

۶- نمونه رأی دادگاه: ارزش اثباتی قرار معاینه محل

چکیده رای: اطلاعات حاصل از قرار تحقیق محلی و معاینه محل، از امارات قضایی محسوب و ممکن است موجب علم یا اطمینان قاضی دادگاه یا مؤثر در آن باشد.

رای بدوی: در خصوص دعوی خواهان ل.ر. با وکالت بانوان م.غ. و ح.ق. به طرفیت خواندگان: ۱- ح.م. با وکالت آقای الف.ر. ۲- ب.و. با وکالت آقای الف.ص. ۳- ع.ع. ۴- م.ن. ۵- م.الف. ۶- الف.ب. ۷- ع.ت. و خواننده مجلوب ثالث م.الف. با وکالت آقای ر.ک. به خواسته صدور حکم بر خلع ید خواندگان از پلاک ثبتی ۲۰۰/۱۸۱

۱- ماده ۱۶۰ ق.م.ا.

۲- ماده ۲۱۱ ق.م.ا.

۳- ماده ۲۵۵ ق.آ.د.م.

بخش ۱۲ تهران و مطالبه اجرت‌المثل ایام تصرف از تاریخ ۵۲/۴/۵ با احتساب خسارات دادرسی، با توجه به این‌که دادگاه جهت احراز تصرف خواندگان در ملک موضوع دعوی خواهان و نحوه و علت تصرف آنان، قرار تحقیق و معاینه محل صادر و وکلای خواهان علی‌رغم ابلاغ وقت دادرسی و انتظار کافی در جلسه دادگاه حاضر نشده و وسیله اجرای قرار را مهیا و فراهم ننموده و دادگاه بدون اجرای قرار مذکور، قادر به انشای رأی در ماهیت دعوی نخواهد بود لذا با استناد ماده ۲۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار ابطال دادخواست را صادر و اعلام می‌نماید. ثانیاً - در خصوص دعوی خواهان م. الف. با وکالت آقای ر. ک. به طرفیت خواندگان: ۱- ل. الف. با وکالت بانوان م. غ. و ح. ق. ۲- ح. ۳- ع. ۴- الف. ۵- ف. ۶- ن. همگی ر. ۷- م. ز. ۸- ع. ت. به خواسته الزام خواندگان به تنظیم سند رسمی اجاره یک باب مغازه و انباری جزو پلاک ثبتی ۲۰۰/۱۸۱ بخش ۱۲ تهران با احتساب خسارات دادرسی، نظر به این‌که حسب پاسخ واصله از اداره ثبت اسناد خانم ب. ک. و آقایان ع. ح. و ج. شهرت همگی پ. از جمله مالکین مشاعی پلاک ثبتی مذکور بوده و در دعوی مطروحه ذی‌نفع می‌باشند و خواهان مشخصات افراد مذکور را در ستون خواندگان قید ننموده و دعوی نامبرده به کیفیت مطروحه فوق، قابلیت استماع نداشته لذا دادگاه مستنداً به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار عدم استماع دعوی خواهان را صادر و اعلام می‌نماید. قرار صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم تجدیدنظر استان تهران خواهد بود.

رئیس شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ری - محمدنژاد

رای دادگاه تجدید نظر: تجدیدنظرخواهی خانم‌ها م. غ. و م. الف. به وکالت از آقای ل. ر. به طرفیت آقایان و خانم‌ها: ۱- ح. م. ۲- ب. و. ۳- ه. ع. ۴- م. ن. ۵- الف. ب. (ب. د.) ۶- م. الف. ۷- ع. ت. ۸- ع. ۹- الف. ۱۰- ح. ۱۱- ف. ۱۲- ن. (همگی ردیف‌های ۸ الی ۱۲) به شهرت ر. ۱۳- م. ز. (ردیف‌های ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۳ با وکالت خانم و. الف. نسبت به قسمتی از دادنامه شماره ۹۴۳ مورخ ۹۱/۱۰/۲ صادره شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی شهر ری که به موجب آن دعوی تجدیدنظرخواه با خواسته‌های خلع ید ۱/۵ دانگ مشاع از ۶ دانگ پلاک ۲۰۰/۱۸۱ بخش ۱۲ تهران واقع در قریه ... و مطالبه اجرت‌المثل ایام تصرف تجدیدنظرخواندگان از تاریخ ۵۲/۴/۵ با استدلال به این‌که چون دادگاه بدوی جهت احراز چگونگی تصرفات تجدیدنظرخواندگان در ملک موضوع دعوی و نحوه و علت تصرف هر کدام قرارهای تحقیق و معاینه محلی صادر لیکن در وقت اجرای قرار وکلای خواهان بدوی (تجدیدنظرخواه) حضور نیافته و وسیله اجرای قرارها را فراهم نکرده‌اند منجر به صدور قرار ابطال دادخواست گردیده وارد و موجه نمی‌باشد. رأی دادگاه بدوی صحیح و مطابق مقررات و موازین صادر گردیده و بر مبنای استدلال و استنباط وی اشکال و خللی وارد نیست تجدیدنظرخواهی واصله با هیچ‌یک از جهات مندرج در ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی انطباق ندارد تجدیدنظرخواه نامبرده اعتراض و ایراد مستدل به عمل نیاورده و در این مرحله ادله و مدارک معتبر و مستدلی ارائه نکرده‌اند، برابر مندرجات صورت‌مجلس تنظیمی مورخ ۹۱/۹/۲۵ سابقه‌ای از حضور خواهان بدوی یا وکلای ایشان و حتی معرفی فرزند خواهان به عنوان نماینده همراه با تمهید تهیه وسیله اجرای قرار مشاهده نمی‌شود قرارهای صادره مورخ ۹۱/۷/۵ بنا به تشخیص قاضی رسیدگی کننده بوده و اطلاعات حاصل از تحقیق و معاینه محل از امارات قضایی محسوب می‌گردد و ممکن است موجب علم یا اطمینان قاضی دادگاه یا مؤثر

در آن باشد بنا به مراتب با استناد به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی رأی شعبه بدوی را تأیید می‌نماید. این رأی قطعی است. رئیس شعبه ۵۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه (dadrah.ir).

۷- نتیجه‌گیری

از آنچه در این تحقیق گذشت، مشخص شد که تحقیق محلی یکی از موارد اماره قضایی می‌باشد که به قاضی برای دست یافتن به یک ظن مفید یاری می‌رساند. اما این اماره که در قانون با عنوان تحقیق محلی ذکر می‌گردد در فقه با عنوان استفاضه (و یا مترادف آن شیاع) مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جمله ادله اثبات حجیت استفاضه می‌توان به روایات، سیره قطعیه، سیره عقلا و... اشاره نمود که در نهایت زمانی استفاضه با توجه به این ادله حجت می‌باشد که دارای شرایطی مانند ایمن بودن از تبانی بر کذب، شرط نبودن مشاهده در شهادت به استفاضه و... باشد. حدود استفاضه را با توجه به اختلافات فراوان می‌توان به نکاح، مرگ، وقف، ملک مطلق، نسبت و عدالت محدود نمود، که در این زمینه مصداق‌های بسیاری در فقه موجود می‌باشد. برای بیان رابطه بین استفاضه و تحقیق محلی نظرات گوناگونی بیان گردیده است. اما محقق به این نتیجه دست می‌یابد که تحقیق محلی و استفاضه هر دو مشابه یکدیگر می‌باشند به این بیان که هر دو دارای ادله اثبات حجیت، محدوده و در نهایت مفهوم یکسان هستند و تنها در عنوان با یکدیگر متفاوت‌اند. تمامی این موارد نشان دهنده آن است که تحقیق محلی دارای مبنای فقهی محکم و مستدل است و برگرفته از حقوق کشورهای دیگر نمی‌باشد. چرا که قبل از اینکه کشورهای دیگر به قانونگذاری بپردازند دین اسلام به این امر مهم پرداخته است.

منابع

عربی:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- انصاری، الشیخ مرتضی (۱۴۱۵ق)، القضاء و الشهادات، قم: لجنة تحقیق تراث الشیخ الاعظم، الطبعة الاولى.
- ۳- ترحینی عاملی، سید محمد حسن (۱۴۲۷ق)، الذبده الفقہیہ فی شرح الروضه البہیہ، ج ۴؛ دارالفقه للطباعه و النشر، چاپ چهارم.
- ۴- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحکام الشرعیہ علی مذهب الإمامیہ، ج ۲، قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
- ۵- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ق)، قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۶- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، قم: موسسه اسماعیلیان.
- ۷- خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۵ق)، تحریر الوسیله، ج ۲، موسسه مطبوعات دارالعلم، قم، چاپ اول.
- ۸- رشتی، میرزا حبیب الله رشتی (۱۴۰۱ق)، کتاب القضاء، جلد های ۱ و ۲ (دو جلد در یک جلد)، قم، مطبعه الخیام.
- ۹- صمیری، مفلح بن حسن (۱۴۲۰ق)، غایه المرام فی شرح شرایع الإسلام، ج ۳، دارالهادی، بیروت، چاپ اول.
- ۱۰- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی (۱۳۸۷ش)، المبسوط فی فقه الامامیہ، ج ۸، المكتبه المرتضویہ الاحیاء الآثار الجعفریہ.

- ۱۱- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی، (۱۴۱۴ق)، **الرسائل العشر**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم.
- ۱۲- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی، (۱۴۰۷ق)، **الخلاف**، ج ۶، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول.
- ۱۳- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی، (۱۴۰۷ق)، **تهذیب الأحكام**، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
- ۱۴- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۷ق)، **الدروس الشرعیه فی فقه الإمامیه**، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- ۱۵- قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۹ق)، **من لایحضره فقیه**، (مترجم: غفاری، علی اکبر)، تهران، نشر صادق، چاپ اول.
- ۱۶- فاضل موحدی لنکرانی، محمد، (۱۴۲۰ق)، **تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله**، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- ۱۷- موسوی گلپایگانی، السید محمد رضا، (۱۴۰۵ق)، **کتاب الشهادات**، قم، المطبعه سید الشهداء (ع)، الطبعة الاولى.
- ۱۸- موسوی گلپایگانی، السید محمد رضا (۱۴۰۱ق)، **کتاب القضاء**، ج ۱، قم، المطبعه الخیام.
- ۱۹- نجفی، شیخ محمد حسن، (۱۴۰۰ق)، **جواهر الکلام**، تهران، دارالکتب الإسلامیه، الطبعة السادسة.
- ۲۰- وجدانی فخر، قدرت الله، (۱۴۲۶ق)، **الجواهر الفخریه فی شرح الروضه البهیة**، ج ۵، قم، سماء القلم، چاپ دوم.

فارسی:

- ۲۱- امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامی.
- ۲۲- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷)، **ادله اثبات دعاوی کیفری**، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد.
- ۲۳- خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۳)، **مبانی فقهی آیین دادرسی مدنی و تاثیر آن در رویه قضایی**، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ سوم.
- ۲۴- دیانی، عبدالرسول (۱۳۷۸)، **ادله اثبات دعوی در امور مدنی و کیفری**، تهران، تدریس، چاپ اول.
- ۲۵- دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۷)، **حقوق خانواده، ازدواج و انحلال آن**، تهران، میزان، چاپ اول.
- ۲۶- شمس، عبدالله (۱۳۸۵)، **آیین دادرسی مدنی**، تهران، دراک، چاپ ششم.
- ۲۷- صدرزاده افشار، سید محسن (۱۳۷۶)، **ادله اثبات دعوی در حقوق ایران**، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم.
- ۲۸- شیخ نیا، محسن (۱۳۷۵)، **ادله اثبات دعوا**، ج ۳، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۲۸- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲)، **اثبات و دلیل اثبات**، ج ۲، بنیاد حقوقی میزان، تهران، چاپ هفتم.
- ۲۹- قانون اساسی.
- ۳۰- قانون مدنی.
- ۳۱- قانون مجازات اسلامی.
- ۳۲- قانون آیین دادرسی مدنی.
- ۳۳- سایت حقوقی دادراه به آدرس www.dadrda.ir بازبایی شده در ۱۰ اسفند ۱۳۹۸.

سوم: مقالات

- ۳۴- ابو عطا، محمد (۱۳۹۶). **إخبار مستند به شیاع به عنوان دلیل اثباتی**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۹ (۱۶).
- ۳۵- حسن زاده، مهدی (۱۳۹۳). **استفاضه و نقش آن در اثبات دعاوی**، مجله حقوقی دادگستری، ۸۷.
- ۳۶- درویش زاده کاخکی، محمد (۱۳۹۳). **قاعده سازی و مصداق شناسی اماره قضایی**، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ص ۶۸.

Received: 13 April 2019

Published: 21 September 2020

Jurisprudence Basics for Local Research Circumstantial Evidence

Shadi Hassani¹ Manssor Amirzadeh Jirkol² Javad Mohammadalizadeh³

Abstract

The local research method is interpreted in this way that each witness says his / her own information to the judge and it's interpreted based on the words the stated the judge comes to this conclusion that they didn't conspire to say lie. Now the local research circumstantial evidence is used with wide spread tradition title (or some times its synonym fame) in the jurisprudence. In the jurisprudence to authority of the widespread tradition some cases are stated such as narration , wide people method , the difficulty because of producing sufficient evidence which we can prove the wide spread tradition authority by each of them. Also, the wide spread domain in jurisprudence with high disputations – is divided into two limited and unlimited categories that by considering the total opinions, the wide spread tradition domains are death, devotion, freehold, ancestry and justice. The wide spread tradition in the jurisprudence and local research has some similarities and differences. In this regard there are some comments about the relationship between local research and wide spread tradition: the wide spread tradition as an independent reason, the wide spread tradition as witness confirmer and wide spread as the result of the local research. But the researcher states that the wide spread tradition is the same jurisprudence basic for the local research because in all cases like meaning , concept , scope , proof , reason and so on , they are the same. This subject shows that the local research has reasonable and firm jurisprudence basics and it has not been taken from the law of other countries.

Keywords: Circumstantial evidence, local research, wide spread tradition, fame.

1- PhD student, Torbat Heydarieh branch , Islamic Azad University. Email: shadihassani864@gmail.com

2-Assistant professor of Islamic rights basics, Torbat Heidarieh branch , Islamic Azad University. Email: amirzadehj@yahoo.com

3-Assistant professor of Islamic rights basics, Nowshahr branch, Islamic Azad University. Email: jm_alizadeh1350@yahoo.com